

گزیده

دیوان جابر جهرمی

از طبع

عباسعلی جهان مهین (جابر جهرمی)

تقدیم به پدر و مادر بزرگوارم مرحوم حاج میرزا محمود جهان مهین

و حاجیه خانم کبری جهان مهین

جهان مهین، عباسعلی،
دیوان جابر جهرمی / اثر طبع عباسعلی جهان مهین (جابر جهرمی)
- قم: آل علی (ع)، ۱۳۹۵
- ۳۰۴ ص.
ISBN: 978-964-7710-35-0 ۱۵۰۰۰ ریال:

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
۱. شعر فارسی - قرن ۱۴. ۲. شعر مذهبی - قرن ۱۴. الف. عنوان.
۸۱۳۹۵ د ۳۷۷ هـ / ۸۰۱۱ PIR ۱/۶۲ فا ۸
۴۱۲۱۹۰۶



انتشارات آل علی

تلفن: ۳۷۷۴۹۸۲۷ - ۲۵ - همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۷۱۳۸

نام کتاب: دیوان جابر جهرمی

تألیف: عباسعلی جهان مهین (جابر جهرمی)

ناشر: آل علی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۵

چاپخانه: آبرنگ

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۱۰-۳۵-۰ ISBN: 978-964-7710-35-0

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص مؤلف می‌باشد.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	ک
شعر	۱
سراپور	۴
زکات سبیل	۶
نیایش	۸
انسان گمگشته دوران	۱۱
آینه خاطر عشق	۱۳
درد و درمان	۱۵
فرزانه دین	۱۷
وحدت آقا	۱۹
صدای عشق	۲۱
ساقی عشق	۲۳

۲۶	آتش عشق
۲۸	حلقه تسلیم
۳۰	هجرت به ارزش ها
۳۳	بازگشت به خویش
۳۸	سنگ کوی ولا
۴۰	پیمان و صبر
۴۲	راز پنهان
۴۷	افطار دوست
۴۹	مادر
۵۱	شب قدر و انسان نو
۵۴	آدم مسجود ملائک
۵۷	کوس رسوائی
۵۹	ابوذر انسانی تنها
۶۵	حیات جاودان

- ۶۶..... سحر چشم
- ۶۷..... نکته عطر بهشت
- ۶۸..... کفر و ایمان
- ۶۹..... کیست علی (ع)
- ۷۲..... جانان عیسی
- ۷۴..... جلوه معنا
- ۷۶..... صبح ازل
- ۷۸..... شرح فراق
- ۸۰..... بزم سدره
- ۸۲..... سوی فراسوی
- ۸۴..... تمنای دل
- ۸۶..... دریا
- ۸۸..... باده پرست
- ۹۰..... نفی و اثبات

۹۲.....	بیکرانه
۹۴.....	رقص بسمل
۹۶.....	بازی تقدیر
۹۸.....	ندیده را مهرست
۱۰۰.....	باد بافی
۱۰۳.....	قرب او انا
۱۰۵.....	فراق
۱۰۸.....	طیب نفس
۱۱۰.....	معلم
۱۱۲.....	سرگشته یار
۱۱۴.....	ارجعی
۱۱۶.....	عقده دل
۱۱۸.....	جذبه جلوت
۱۲۰.....	شرار سینه سینا

مقام فقر ۱۲۲

طواف عشق ۱۲۴

مثنوی انسان ۱۲۶

تا کوی معرفت ۱۲۹

جاء خدا ۱۳۱

اشراق جان ۱۳۳

غفران ۱۳۵

رکعتی وصل ۱۳۷

ویرانه آباد تمدن ۱۳۹

برای مادر م ۱۴۱

بال و دانه ۱۴۳

سکوت باغ ۱۴۴

مرغکان عشق ۱۴۵

دلدار من ۱۴۶

۱۴۸.....	اناالحق
۱۴۹.....	ناله فرهاد
۱۵۰.....	حج
۱۵۷.....	نور و زندگی
۱۵۸.....	بهر باد جانان من
۱۶۰.....	شب مستی
۱۶۲.....	عربده فراق
۱۶۴.....	ولایت
۱۶۶.....	مست و خراب
۱۶۷.....	جوهر آئینه‌ها
۱۷۱.....	سجده
۱۷۳.....	دیده شهلائی تو
۱۷۴.....	درد دل
۱۷۸.....	درد و درمان

- ۱۸۰..... حسین (ع) مظهر شرافت
- ۱۸۲..... شهر بلندای نخیل
- ۱۸۴..... قیام مستانه
- ۱۸۶..... ترازه دل
- ۱۸۸..... دانش
- ۱۹۰..... شعله سوزیده دل
- ۱۹۱..... صهبای علی (ع)
- ۱۹۴..... کوی یار
- ۱۹۶..... جهرم
- ۱۹۸..... رنگ و ریا
- ۱۹۹..... فقر
- ۲۰۳..... گل بارش
- ۲۰۵..... دیده فرهاد
- ۲۰۶..... شباهنگان مست

- خیال آباد ۲۰۷
- خون سیاوش ۲۰۸
- همچو یوسف ۲۰۹
- کوچه مهابی دل ۲۱۰
- رود چهل ۲۱۱
- عتیق عهد آدم ۲۱۳
- پدر مادر معلم ۲۱۵
- زهرا ۲۱۸
- فاطمه ۲۲۱
- فلاح ۲۲۳
- خاک و شراب ۲۲۵
- قرآن ۲۲۶
- ناله‌های شبانگاه ۲۳۲
- یاد کربلا ۲۳۳

۲۳۴.....	فرزند کعبه
۲۳۷.....	ره میخانه
۲۳۸.....	افطار
۲۴۰.....	دنیا
۲۴۳.....	اتش طور
۲۴۴.....	نام حسن
۲۴۵.....	لطف حق
۲۴۸.....	کشته‌های فقر
۲۵۰.....	آخرین اشهد
۲۵۲.....	غصه پنهانی
۲۵۴.....	درد مردم داشتن
۲۵۷.....	علی (ع)
۲۶۰.....	لیک
۲۶۲.....	رَبَّنَا

زندگی ۲۶۵

از حق به کاروان تو تا عاقبت سلام ۲۶۷

یا علی ۲۷۰

ناگهان ۲۷۵

سکس و سپاس ۲۸۰

زلزله بم ۲۸۳

کشتند علی مرتضی را ۲۸۶

عمود دین ۲۸۸

نماز ۲۸۹

لهیب ترانه ۲۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

نمی‌دانم آنچه را پیشاروی دارید حاکی از خیال و محاکات هست که بتوان شعرش نامید یا نه و از کنایه و استعارات و تشبیه و مجاز مایه‌ای و بهره‌ای دارد یا خیر ولی می‌دانم که ترانه‌های درد است از خلوت درون.

کار شعر انگیزش شور و شعور و آفرینش حظ و لذت معنوی است در گستره سیه‌ها، آن‌سان که قلب و وجدان‌ها را و ژرفای جان‌ها را از لطافت و معنی افق و اشباع سازد، چه در قالب کلمات موزون و مقفی که شعر کهنش می‌نامند چه با قوافی شکسته که شعر نوش می‌خوانند و پرداختن بدان مقوله‌ای دیگر و تفاسیر آن از موج نو حوصله‌ای فراخ‌تر را می‌طلبد. مسلم آن‌که فرق است بین شری که حاصل درد و غم و سوز سینه شاعر است، با نظمی که حاصل کیف و عیش و لذت و تفریح ناظم است.

فرق است بین شاعران آزاده‌ای که از سر صداقت و ایمان و حب به حق تعالی شعر می‌سرایند با هرزه‌گویان ابن‌الوقت و فرصت‌طلبانی که دواوین خود را دکان نام و پاچال نان خویش ساخته‌اند.

فرق است بین شاعران صادقی که از اطاعت و ارادت و قناعت و امانت و بندگی و تواضع و علم و ادب و تربیت و معرفت سخن می‌گویند و یا از خلوت و وحدت و عشق و عرفان و سیر و سلوک و غیب و فیض و فنا و

لقا و بقا سخن می‌راندند با شاعری که نه کرسی آسمان را به زیر پا می‌نهد
تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان زند.

فرق است بین شاعری که خرقه سالوس ریاکاران و طبل زیر گلیم
زرق‌سازان و چهره پشمینه‌پوشان نفاق‌پرداز را می‌نمایاند، زهدش را با
آب خرابات می‌شوید، عقلش را در آتش میخانه می‌سوزاند، از چشمه
حق‌رضو می‌سازد، طبعش را به منت دونان نمی‌الاید و به مقام فقر و
قناعت افتخار می‌وزد با شاعری که هذیان می‌بافد و از سر پرخوری جیغ
بنفش می‌کشد.

چه شعرها که چیرت جز مدیحه‌سرایی چاپلوسانه ادبی نیست و بسا دواوین
شعری که منهای مضامین ادبی، بزرگرافه و پندار باطل شاعر مایه‌ای ندارد
و به عبارت دیگر حاصل بی‌دردی و وسیله تکدی و تحصیل نام و نان
شاعر است.

چه شعرها که از حصار دربارها گامی فراتر به سوی جامعه و مردم
نگذاشت و جز به امید درهم و دینار و یا به انگیزه ریا و نفاق از طبایع
طماع شاعران جاری نگشت و عمری جز به درازای عمر شاعر و یا
ممدوحان نداشت و همراه با آنان به گور فراموشی سپرده شد. و چه
شعرها که مرزها را درنوردید و عالم گیر شد و در قرون متمادی در دل

نسل‌ها سینه به سینه منتقل و جاودانه گشت، چرا که این‌گونه شعرها بازتاب اندیشه و فرهنگ و دردهای همیشه مردم و برای مردم بود. شعر اگر شعر باشد مکان نمی‌شناسد، مقید زمان نمی‌شود، اوج می‌گیرد و مستی می‌آفریند و چه زیباست که این مستی از باده وحدت و برگرفته از بیاله عرفان باشد که عریده جویش نام و ننگ را نشانسد.

چهرم

عباسعلی جهان‌مهین (جابر چهرمی)